



شبهه شناسی
گفتمان سازی
ویاسخ گوئی
روزهای حماسه
دفاع مقدس
ویژگی نامه
چند رسانه ای
ماهنامه شبهات

شبهه

۱۱۴

صبر و بصیرت

شبهه: این همه فشار، تحریم، جنگ، ... تا کی؟ ما تا کجا باید ایستادگی کنیم؟

در سنگر خیابان یایران ایستادیم

هشت دفاع مقدس، خون‌هایی ما مدیون
دل‌آوری‌ها و فداکاری‌های مردم شریف ایران است،
ما هم باید راه آن شهیدان را ادامه دهیم و
با حضور در این حماسه عظیم، راهشان را زنده نگه داریم.

مقام معظم رهبری (مظله العالی) ۱۳۹۶/۰۷/۲۶
پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری



می‌کند. انتظار یعنی باور نکنیم این همه سختی، آخر داستان است بلکه انتظار یعنی هنوز به آینده‌ای که در آن عدالت بر جهان حاکم می‌شود ایمان داشته باشیم و سهم خودمان را در ساختن آن آینده ادا کنیم.

پس پاسخ «تا کی باید ایستادگی کنیم؟» این است: تا وقتی دشمن از شکست دادن ما ناامید شود و تا وقتی که حق و عدالت نیازمند دفاع است؛ اما با عقل، بصیرت و تدبیر. نه خسته شویم و دست بکشیم، نه از رنج مردم غافل شویم و نه اصلاح را فراموش کنیم.

بالاخره قرار نیست فقط زنده بمانیم تا روزی پیروزی را ببینیم؛ قرار است در همین مسیر، زندگی بهتری بسازیم.

و این همان ایستادگی‌ای است که به تعبیر امیرالمؤمنین (ع)، جز با بصیرت و صبر ممکن نیست: «لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَالصَّبْرِ».

باشیم. چون گاهی جامعه‌ای که از بیرون زیر فشار است، اگر امید و اعتمادش را از دست بدهد، از درون آسیب پذیرتر می‌شود.

سیره اهل بیت (ع) به ما یاد می‌دهد که ایستادگی همیشه یک شکل ندارد. امام حسین (ع) با قیام، امام سجاد (ع) با تربیت و کادرسازی در دوران خفقان و امام رضا (ع) با تدبیر و روشنگری، هر کدام در شرایط خود از یک حقیقت دفاع کردند. آن‌ها منتظر نماندند شرایط تغییر کند؛ متناسب با شرایط، وظیفه خود را انجام دادند.

پس ما هم قرار نیست فقط بنشینیم و سختی‌ها را تحمل کنیم. قرار است در کنار حفظ آرمان‌ها، برای قوی‌تر شدن کشور، رفع ضعف‌ها و بهتر شدن زندگی مردم تلاش کنیم. مقاومت یعنی دشمن نتواند ما را از هدفمان منصرف کند، نه اینکه ما هیچ‌وقت روش‌هایمان را اصلاح نکنیم.

و اینجاست که انتظار فرج معنا پیدا

انواع فشارها مواجه شده است. پس وقتی دشمن از همه طرف فشار می‌آورد، نباید فقط سختی آن را ببینیم؛ باید معنای آن را هم بفهمیم. اینکه دشمن این همه هزینه می‌کند، نشان می‌دهد احساس خطر کرده و شما دقیقاً در همان جهتی قرار گرفته‌ای که او نمی‌خواهد تو آنجا باشی؛ اگر این مسیر برایش اهمیتی نداشت، چرا باید این همه انرژی و هزینه صرف متوقف کردنش کند؟

البته این حرف به معنای آن نیست که هرچه ما انجام می‌دهیم درست است یا هر مشکلی را باید به دشمن نسبت بدهیم. اما یک چیز روشن است: نباید اجازه بدهیم فشار دشمن، ما را به این نتیجه برساند که اصل ایستادگی اشتباه بوده است.

شاید هدف اصلی دشمن در کنار فشار بیرونی، خسته کردن ما از درون باشد؛ اینکه آن قدر ناامید شویم که دیگر نه به آینده باور داشته باشیم و نه به توانایی خودمان برای تغییر آن. اینجاست که باید بیشتر مراقب

انسان، وقتی سال‌هاست از تحریم و تهدید و جنگ حرف می‌شنود، وقتی فشارها را در زندگی خودش و خانواده‌اش لمس می‌کند، طبیعی است که از خودش پرسد: پس چه زمانی قرار است این وضعیت تمام شود؟ مگر قرار نیست زندگی کنیم؟ مگر قرار نیست آینده‌ای داشته باشیم؟

اما شاید برای فهم این ماجرا، باید یک سؤال دیگر هم از خودمان بپرسیم: چرا دشمن این قدر اصرار دارد ما از این مسیر برگردیم؟ چرا هر بار که فشارهایش نتیجه دلخواه را نمی‌دهد، سراغ ابزار دیگری می‌رود؟ واقعیت این است که قدرت‌های سلطه‌گر با جریانی مواجه‌اند که نمی‌خواهد زیر سلطه‌شان باشد و برای تحقق آرمان‌هایی حرکت می‌کند که با منافع آن‌ها در تعارض است. تاریخ هم نشان داده است که هرگاه جریان حق در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و نامشروع قد علم کرده، با جنگ، تحریم، محاصره، تبلیغات و

